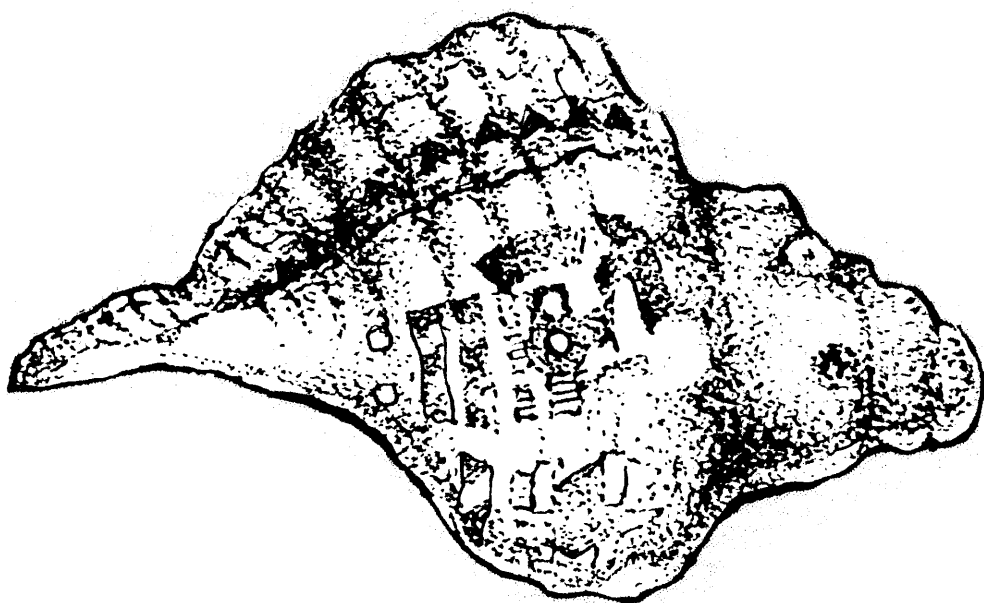




٢

* **خاتمه [Xátme]** : نقطه پایان یک قطعه موسیقی را گویند. علامت های خاتمه عبارتند از: **Fin** و **دولا** خط پایان.

خاتمی، محمد [Mohammad Xátami] : خواننده قدیمی و خوش صدا و همدوره با حسین مدنی، حبیب وزیری، علی نوائی معروف به عندلیب و منوچهر شفیعی.

خاچاطوریان، آرام [Ārām Xácaturyán] : از استاد های هنرستان عالی موسیقی و همدوره با حشمت سنجری، مصطفی کمال پورتراب، یوسف یوسف زاده و مرتضی حنانه.

خاچاطوریان، نیکلا [Nikolá Xácaturyán] : استاد تعلیم ویلن در هنرستان موسیقی تبریز که در سال ۱۳۳۵ خورشیدی که با همت استاد عزیز شعبانی تاسیس گردید.

خاچاطوریان، هابت [Hâpet Xácaturyán] : از آموزگاران مدارس تاماریان و آرامیان در تبریز که موسیقی تدریس می کرد. این مدارس در سال های ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۵ میلادی در تبریز فعالیت داشتند.

خاچیک [Xácik] : استاد سازنده تار و سنتور و پدر یحیی دوم است.

خاچیک، خاچی [Xáci Xácik] : استاد مطالعه مقایسه ای خصوصیات موسیقی شرقی و غربی در رشته موسیقی شناسی هنرستان عالی موسیقی که در سال ۱۳۵۰ خورشیدی پس از یک دوره تحصیلی به تعطیلی کشیده شد.

خاچیکیان، سوریک [Surik Xácikyán] : از صدابرداران با تجربه رادیو و تلویزیون در تهران.

خاخام، موسی [Musá Xáxám] : نوازنده زبردست ویلن در سال های پیش و پس از ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران.

خادم، مامک [Mámak Xádem] : خواننده خوش صدا و صاحب سبک در گروه موسیقی ای که در آمریکا زیر عنوان **Axiom of Choice** فعالیت دارد. این گروه موسیقی به اجرای موسیقی اصیل ایرانی با

سبکی متفاوت می پردازد.

خادم معبودی، محمد [Mohammad Xâdem Mawbudi] : محمد خادم معبودی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او مدت ۱۰ سال زیر نظر استاد مهر تاش در جامعه باربد به فراگیری موسیقی پرداخت و از سال ۱۳۴۰ شروع به نواختن ویلن کرد. بعد ها به کلاس استاد علی تجویدی رفت و به تکمیل هنر نواختن ویلن پرداخت.

خادم میثاق، بیژن [Bižan Xâdem Misâq] : آهنگساز و نوازنده جوان و مشهور ایران که همکاری نزدیکی با علی رهبری موسیقیدان معروف دارد.

خادم میثاق، عطاء اله [Ata-ollâh Xâdem Misâq] : نوازنده پیانو در ارکستر جاز شرکت ملی نفت ایران در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی. عطاء اله خادم میثاق سال ها با سمت استادی در هنرستان عالی موسیقی به تعلیم این هنر می پرداخت.

خادم میثاق، علی محمد [Ali Mohammad Xâdem Misâq] : استاد علی محمد خادم میثاق در سال ۱۲۸۶ خورشیدی بدنیا آمد. او از شاگردان ممتاز مدرسه موزیک بود و زیر نظر سالار مغرز و نصراله خان مین باشیان تعلیم گرفت. او در همین مدرسه در دوران ریاست استاد وزیری، موسیقی ایرانی را نیز آموخت. خادم میثاق در امر خلق سرودهای ملی از چهره های تابناک موسیقی ایران است. استاد علی محمد خادم میثاق پس از پایان تحصیلات ابتدائی به مدرسه فلاحت رفت ولی پس از دو سال به مدرسه موزیک که زیر نظر سالار مغرز اداره می شد رفت. خادم میثاق از طرفداران جدی تحول و تکامل موسیقی ایران بود. او با رهبری ارکستر شماره ۳ اداره هنرهای زیبا، این ارکستر را در مسیر یک تحول اساسی قرار داد.

استاد خادم میثاق به آهنگ های محلی علاقه بسیاری داشت و در تنظیم این آهنگ ها کوشش فراوانی نمود. استاد خادم میثاق در سال ۱۳۳۷ خورشیدی بر اثر تصادف در جاده تهران - اصفهان چشم از جهان فرو بست.

خادمی، حسین [Hoseyn Xâdemi] : نوازنده چیره دست تار و از همکاران نزدیک حسین سرور نوازنده نامی ویلن در اصفهان در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی.

خادمی، عابدین [Âbedin Xâdemi] : از تنبور نوازان مشهور کرمانشاه و همدوره با سیدامر اله شاه

ابراهیمی و درویش امیر حیاتی.

خادمی، میرزا حسین (Mirzā Hoseyn Xāдеми) : از خوانندگان مشهور و قدیمی در کرمانشاه.

خارا (Xārā) : گوشه ای است در دستگاه شور.
خارا



خاراطیان، تانیا (Tānyā Xārātyān) : خانم خاراطیان، استاد مدرسه عالی موسیقی کنل وزیر در رشته پیانو که استاد جواد معروفی را تعلیم داده است.

مادام خاراطیان، بعداً با عنوان مدرس پیانو در هنرستان عالی موسیقی به تدریس این ساز پرداخت. فعالیت ایشان در هنرستان عالی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۷ خورشیدی بود.

خارج از پرده (Xārej az Parde) : ناکوک، خروج از پرده درست موسیقی، توسط خواننده یا نوازنده.

خارکش (Xārkeš) : نام سرودی است در موسیقی قدیم ایران.

خارکن (Xārkan) : از الحان موسیقی در زمان ساسانیان.

خازن الدوله (Xāzen-ol-dole) : نوازنده چیره دست تار و از شاگردان آقا حسین قلی.

خاطره پروانه (Xātre Parvāne) : خواننده مشهور قدیمی و از همکاران نزدیک استاد مهدی خالدي، استاد علی تجویدی و شاعر گرانقدر؛ معینی کرمانشاهی. "کیستم من"، "رهائی"، "دعایم کن"، "پروانه"، "یاد آن روزها" و "بهار مادر" از ترانه هائی است که خاطره پروانه اجرا کرده است. استاد آواز خاطره پروانه، زنده یاد عبدالله دوامی بود.

خاقانی (Xāqāni) : بدیل بن علی خاقانی حقایقی شروانی از بزرگترین شاعران ایران و از بزرگان بارگاه شروانشاه بود که در سال ۵۲۰ هجری در شروان بدنیا آمد. او در اواخر عمر به تبریز رفت و در همان شهر در گذشت. قبر این شاعر بزرگ در محله سرخاب تبریز است. سال وفات او ۵۹۵ هجری است.

خاقانی مدت ها با رشید الدین و طواط مراوده و دوستی داشت. از آثار خاقانی علاوه بر دیوان او، کتاب دیگری بنام "مثنوی تحفه العراقین" است که او در شرح سفرش به مکه و عراق سروده است.

خاک نگار، مصطفی (Mostafā Xākneḡār) : خواننده فعالی که در اُس آنجلس ساکن بوده و از او آلبوم های: "شب چراغ" و "گل ناز" در دسترس می باشد. مصطفی خاک نگار، در نواختن گیتار، مهارت دارد.

خاکی بزرگ، میرزا حسن (Mirzā Hasan Xāki-bozorg) : از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه.

خاکی کوچک، میرزا ابراهیم (Mirzā Ebrāhim Xāki-kucek) : از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه.

خال (Xāl) : یکی از پنج قسمت ساز سرود (قیچک). خال قسمت تحتانی بدنه طنینی ساز است که فاقد پوست می باشد.

خالد، امیر فخر الدین (Amir Faxr-eddin Xāled) : امیر فخر الدین خالد از فضلا و شاعران خراسان است که با انوری دوستی و مشاعره داشت. او در زمان علاء الدین جهانسوز و سلطان سنجر می زیسته است.

خالدی (Xāledi) : از خوانندگان پیش از انقلاب در تهران، که در حال حاضر از او فعالیتی مشاهده نمی شود.

خالدی، اصغر (Asqar Xāledi) : اصغر خالدی در ۲۵ شهریور ماه ۱۳۰۲ خورشیدی در سنگلج تهران بدنیا آمد. او نیز مانند برادر هنرمندش، مهدی خالدی، از کودکی به موسیقی و نواختن سنتور علاقه وافری نشان می داد. در کودکی با یاری مهدی، برادرش، برای یاد گیری سنتور نزد استاد حبیب سماعی می رود. در هنرستان موسیقی، حبیب سماعی به او و چهار هنرمند دیگر؛ منصور یاحقی، دکتر منوچهر جهان بگلو، حسین صبا و سید مصطفی قراب، هفته ای دو ساعت درس می داد. در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وقتی استاد سماعی فوت می کند، خالدی نزد استاد صبا رفته و از او تعلیم می گیرد. اصغر خالدی از زبردست ترین

نوازندگان سنتور بشمار می رود.

خالدی کیمنه ای، شفیع (Safiw Xaledi Keymanei) : شفیع خالدی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در روستای کیمنه، اورامان بدینا آمد. او آواز سیا چمانه و دیگر آوازهای اورامی را در کودکی نزد پدرش، محمد، آموخت. شفیع خالدی از سال ۱۳۳۶ همکاریش را با رادیو کرمانشاه آغاز نمود.

خالدی، مهدی (Mehdi Xaledi) : مهدی خالدی در سال ۱۲۹۸ قمری در تهران متولد و اولین نوازنده ای است که بعد از استاد صبا در رادیو اقدام به نواختن ساز سولو نمود. بعد از استاد صبا و حسین یاحقی، خالدی تنها استاد صاحب سبکی است که روش او مورد تأیید رادیو قرار گرفت و آهنگسازان پس از او تحت تأثیر روش او قرار گرفته و بیشتر آن ها از مکتب او پیروی کرده و می کنند. مهدی خالدی را می توان بدعت گذار مکتبی نو دانست زیرا او بود که روال همیشگی پیش در آمد چهار مضارب، آواز و تصنیف و گاهی قطعه های رنگی را در برنامه های موسیقی بهم ریخت و تصنیف هائی ساخت. خالدی در مرگ استادش صبا، قطعه مرگ صبا را نوشت و خود آن را اجرا کرد. قطعه مرگ صبا با صدای استاد حسین بنان اجرا شده است.

از مهدی خالدی بیش از ۳۰۰ آهنگ باقی مانده است. استاد مهدی خالدی در نهم آذر ماه ۱۳۶۹ به علت سرطان، چشم از جهان فرو بست. مزار این هنرمند در ابن بابویه می باشد. استاد مهدی خالدی ارکستری داشت بنام؛ ارکستر خالدی که خواننده ثابت آن خانم دلکش بود. البته از بین خوانندگان مرد، علی زاهدی با این ارکستر همکاری داشت.

خالقی، روح اله (Ruh-ollāh Xāleqi) : استاد روح اله خالقی در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در کرمان بدینا آمد. پدرش میرزا عبدالله خان، منشی فرمانفرما، والی کرمان بود. مادرش مخلوقه خانم، با هنر موسیقی الفت داشت. روح اله جوان، ابتداء به نواختن تار و پس از چندی نزد میرزا رحیم کمانچه کش به فراگیری ویلن پرداخت.

در سال ۱۳۰۲، استاد علی نقی وزیری، اقدام به تاسیس مدرسه عالی موسیقی کرد. خالقی در آن مدرسه ثبت نام نمود. پس از چند سال از مقام شاگردی به مقام همکاری استاد وزیری نائل شد و در آن مدرسه تدریس دروس نظری و در مدرسه نظام، تدریس سرود های میهنی را به عهده گرفت. استاد خالقی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته ادبیات و زبان فارسی شد. او در سال ۱۳۲۰ به معاونت اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی منصوب گردید. در سال ۱۳۲۳ انجمن موسیقی ملی و در سال ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تاسیس کرد.

استاد خالقی در سال ۱۳۳۸ بنا به تقاضای خود باز نشسته شد. پس از باز نشستگی، فعالیت خود را با رادیو

افزایش داد و رهبری ارکستر گُلها را پذیرفت.

تألیفات استاد روح اله خالقی:

- ۱ هماهنگی موسیقی غربی
- ۲ نظری به موسیقی، ۲ جلد
- ۳ سرگشت موسیقی ایران، ۳ جلد
- ۴ موسیقی ایران

آثار موسیقی استاد خالقی را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

- ۱ آهنگ های بی کلام
- ۲ آهنگ های با کلام
- ۳ سرود ها

سرود ای ایران از کارهای ارزنده این هنرمند است. سرودهای دیگر او عبارتند از: "دانائی توانائی"، "آذربایجان"، "کارگران"، "میهن"، "اصفهان"، "پند سعدی"، "هنر"، "دانش"، "شادی"، "نیکی" و "امید".
استاد روح اله خالقی در تیر ماه ۱۳۴۴ به منظور دیدار دخترش گُلنوش و عمل جراحی معده به سالنبرگ رفت و در ۲۱ آبان ماه همان سال دیده از جهان فرو بست.

خالقی، گُلنوش (Golnuš Xāleqi): گُلنوش خالقی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

تحصیلات موسیقی خود را در هنرستان موسیقی ملی و هنرستان عالی موسیقی آغاز کرد. او سه سال در آکادمی "موتزارتوم" سالنبرگ در رشته رهبری کُر و ارکستر، تحصیلات خود را پی گرفت. او دارای درجه لیسانس در رشته رهبری کُر از کالج "اوبرلین" و درجه فوق لیسانس در همین رشته از دانشگاه "ویسکانسین" است.

گُلنوش خالقی، در سال ۱۳۵۳ گروه "هم آوازان" رادیو و تلویزیون ملی ایران را بنیاد نهاد. او در سال ۱۳۶۴، ارکستر روح اله خالقی را در واشنگتن تأسیس کرد. کوشش های این هنرمند صرف باز سازی و اجرای آثار پدرش و دیگر استادان قدیمی موسیقی ایرانی و هم چنین: تدریس، آهنگسازی و تحقیق در باره موسیقی ایرانی می شود.

خالقی، مظهر (Mazhar Xāleqi): از خوانندگان خوش صدای پس از انقلاب که در تهران فعالیت دارد.

خالو (Xālu): سازی است بادی - چوبی و زبانه دار از خانواده سورنا.

خاموشی، دستگاه موسیقی (Dastgahe Musiqiye Xamusi) : دستگاه موسیقی اهل حق، منسوب به سید اکابر خاموش، عارف سده نهم هجری که شباهت به کاکا ردایی دارد. این دستگاه به شکل آذری مقام شهناز بسیار نزدیک است.

خان رئیس (Xân Rawis) : نوازنده چیره دست ویلن و همدوره با نایب اسداله، میرزا عبدالله، میرزا آقا حسین قلی در دوره ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه.

خانزادی، اسحاق (Eshâq Xânzâdi) : از صدابرداران و صداگذاران با تجربه در تهران.

خانلر بیک، پرویز (Parviz Xânlar-beyg) : پرویز خانلر بیک در سال ۱۳۱۶ در تهران بدنیا آمد. در نوجوانی به نواختن نی لبیک پرداخت و پس از مدتی به نواختن فلوت روی آورد. او نت خوانی را از دوست خود، خسرو تهرانی فرا گرفت و خیلی زود جذب رادیو ایران گشت. او آهنگ هائی برای خانم پوران ساخت. در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به دلایل شخصی از فعالیت های هنری دوری گزید ولی در سال ۱۳۵۹ مجدداً به موسیقی روی آورد.

خانلری، پرویز (Parviz Xânlari) : از استاد های هنرستان عالی موسیقی تهران در دوره های اول فعالیت.

خانلری، پروین (Parvin Xânlari) : از استاد های هنرستان عالی موسیقی تهران.

خانم ارگی (Xânom Orgi) : دسته مطرب زنانه که سرپرست آن ارگ دستی می نواخت. این گروه در دوران مظفرالدین شاه از شهرت خوبی برخوردار بود.

خانه صفحه (Xâneye Safhe) : مرکز پخش صفحه های موسیقی در دهه ۱۳۴۰ که در چهار راه شاه واقع بود.

خانه فرهنگ، گروه موسیقی (Gruhe Musiqiye Xâneye Farhang) : گروه موسیقی فعال در سال های پیش از انقلاب در شهرستان اهر.

خانیاں [Xányân] : نوازنده چیره دست تار در سال های پیش و پس از ۱۳۲۱ خورشیدی که در برنامه موسیقی رادیو ایران ساز می نواخت.

خانه عنقا [Xāne Anqā] : نام لحنی است از موسیقی قدیم ایران.

خانه کبوتر [Xāneye Kabutar] : کاباره ای واقع در سه راه تخت جمشید و متعلق به خانم سوسن خواننده مردمی.

خانه هنر [Xāne Honar] : موسسه انتشاراتی فرهنگی در تهران که بخشی از آن به تولید و تکثیر و پخش نوار کاست و CD موسیقی ایران اختصاص دارد.

خاور [Xāvar] : خواننده سرشناس زن در دوران ناصری. این خواننده، با نام خاور سلطان خانم، معروف است. آموزش هنری این خواننده توسط فرمان ناصر الدین شاه به زنی بنام ماه نساء صورت گرفته بود.

خاوران [Xāvarān] : نام گوشه ای است در دستگاه ماهور.



خاور میانه، استودیو [Studyo Xāvare Miyāne] : استودیو ضبط صدا در خیابان داودیه قلهک. است استودیو به سرپرستی جلال مغازه ای اداره می شد.

خائف شیرازی، میرزا اسماعیل [Mirzā Esmāwīl Xāwef Širāzi] : خائف شیرازی در روز دهم ذیحجه ۱۲۷۸ بدنیا آمد. در هفت سالگی بر اثر ابتلاء به آبله دو چشمش را از دست داد. دیوان این شاعر در ۳۸۰ صفحه در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در چاپخانه هزار شیراز با حروف سربی به چاپ رسیده و مشتمل بر غزلیات، قصاید و رباعیات است.

خبازی نیشابوری [Xabāzi Nišāburi] : از شاعران سده چهارم هجری که سال وفاتش ۳۴۲ بوده

است.

خبوز (Xabuz) : سازی است شبیه زنبورک که در بین ترکمن ها رایج است.

خجسته (Xojaste) : گوشه ای است در دستگاه نوا و از گوشه های ۴۸ گانه موسیقی قدیم ایران است. خجسته نام سازی نیز می باشد از رده آلات زهی.



خجسته، ابوالفضل (Abolfazl Xojaste) : زنده یاد ابوالفضل خجسته از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با استاد جلال تاج اصفهانی، محمد باغبان و حاج محمد تجویدی است.

خدابخشیان، منوچهر (Manucehr Xodâbaxšyân) : منوچهر خدابخشیان از صدابرداران و صدابگذاران شاغل در رادیو و تلویزیون و استودیو های ضبط صدا در تهران.

خدابنده لو، علی (Ali Xodâbande-lu) : نوازنده چیره دست سنتور و همدوره با استاد فضل اله توکل و عباس زندی.

خداجوئی، رحیم (Rahim Xodâjuil) : از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با درویش حسن، میرزا حسن خاکی، میرزا ابراهیم خاکی کوچک و رحیم زری باف.

خدامراد (Xodâmorâd) : از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه.

خدایی، علیرضا (Alirezâ Xodâmi) : از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته فلوت.

خدیری، دکتر سعید [Doktor Sawid Xadiri] : استاد موسیقی در دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران و همدوره با دکتر هرمز فرهت و دکتر محمد تقی مسعودیه.

خدییوی، مهین [Mahin Xadivi] : از شاعرهای معاصر ساکن تهران که کتاب شعر او بنام "کاج های زرد" در بهار ۱۳۷۸ خورشیدی چاپ و منتشر شده است.

خدییوی، ناصر [Nâser Xadivi] : نوازنده زبردست ویلن در ارکستر شماره ۳ و ارکستر شما و رادیو به سرپرستی استاد ناصر زرآبادی. لطفاً به ارکستر شماره ۳ و ارکستر شما و رادیو نگاه کنید. ناصر خدیوی، علاوه بر نواختن ویلن، به کار ترانه سرائی هم اشتغال داشت. او همکاری نزدیکی با زنده یاد موسی کاموسی نوازنده مشهور عود داشت.

خرابات [Xarâbât] : در گذشته در شهرهای آذربایجان، محله هایی بنام خرابات وجود داشت که رقاصان و نوازندگان در آن جا جمع می شدند.

خراباتی [Xarâbâti] : زنده یاد خراباتی موسیقیدانی که به تمامی ردیف های موسیقی ایران آشنا بود و صدای گرمی داشت. سال های فعالیت این هنرمند پیش و پس از ۱۳۱۰ خورشیدی بود.

خراباتی خوان [Xarâbâti Xân] : به کسانی اطلاق می شود که به سبک کوچه باغی آواز می خوانند. خوانندگان این سبک، بدون آن که بدانند، بیشتر در سه گاه یا ماهور در پرده شکسته یا فیلی می خوانند.

خرازان، داود [Dâvud Xarâzân] : از صداپردازان و صداگذاران رادیو و تلویزیون ایران در تهران.

خرازی، حاجی صادق [Hâji Sâdeq Xarrâzi] : خواننده مشهور عهد قاجاریه که سمت استادی آواز عارف قزوینی را دارد.

خراسان [Xorâsân] : نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران.

خراسانی، بهاء الدین [Bahâ-eddin Xorâsâni] : بهاء الدین خراسانی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در اردبیل بدنیا آمد. نخستین معلم او در آواز، عمویش سید ابراهیم خراسانی بود که از مداحان سرشناس

آذربایجان به شمار می رفت. از ۱۸ سالگی به رادیو تلویزیون اردبیل رفت و با علی داستان پور و آساتور صفریان به همکاری پرداخت. بهاء الدین خراسانی، خواننده خوش صدا ترانه های ترکی، سال هاست با استاد علی سلیمی همکاری می کند.

خراسانی، حبیب (Habib Xorāsāni) : میرزا حبیب خراسانی از شعرای مشهوری است که سروده هایش مورد استفاده خوانندگانی چون؛ نادر گلچین قرار گرفته است.

خراسانی، عماد (Emād Xorāsāni) : شاعر و ترانه سرای قدیمی و همدوره با پژمان بختیاری، ابوالقاسم حالت و کریم فکور. عماد خراسانی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد و چند سالی است که در تهران زندگی می کند. بخشی از اشعار این شاعر در ۲ جلد به چاپ رسیده است. غزل های عماد خراسانی از سبک خاصی در بین غزلسرایان برخوردار است.

خرام (Xarām) : یکی از ۴۸ گوشه مشتق از شعبه اوج.

خرسندی، جعفر (Jawfar Xorsandi) : نوازنده ویلن و معلم سرود در بروجرد در سال های پیش و پس از ۱۳۱۵ خورشیدی.

خرسندی، حسین (Hoseyn Xorsandi) : نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با جهانگیر مللک، حسین همدانیان، دلشاد و نصراله معمارپور.

خرسندی، هادی (Hādi Xorsandi) : شاعر و طنز نویس مشهور که نشریه فکاهی اصغر آقا را انتشار می دهد. از اشعار این طنز نویس و شاعر، خوانندگانی چون داریوش استفاده کرده اند. "بچه های ایران" از سروده های اوست. از هادی خرسندی کتابی از برگزیده ها و رباعیات بنام "آیه های ایرانی" چاپ و در دسترس عموم قرار دارد. هادی خرسندی در حال حاضر در انگلستان زندگی می کند. او پیش از انقلاب، سال ها، با روزنامه اطلاعات همکاری نزدیکی داشت.

خرک (Xarak) : وسیله ای است چوبی که بر روی سازها قرار می گیرد و سیم یا تار ساز از روی آن عبور می کند.

خرم سنه اردلان، میرزا فتح اله [Mirzā Fath-ollāh Xorram Sene Ardalān] : میرزا

فتح اله، در زمان لطف علی خان و آغاز پادشاهی آغا محمد خان از کردستان، زادگاه خود به تهران رفت. در زمانی که لطف علی خان شیراز را گرفت به شیراز رفت و شاه را به جنگ با آغا محمد خان برانگیخت. شاه زند به اردوی آغا محمد خان حمله کرد ولی کاری از پیش نبرد و به کرمان گریخت. در آنجا نیرویش در هم شکست و در بزم گرفتار شد. میرزا فتح اله از ترس جان در شاه چراغ پنهان شد. اما بدستور آغا محمد خان او را بیرون کشیده و دو چشمانش را در آوردند. این شاعر نابینا سی سال بهمین وضع زندگی کرد و سر انجام در سال ۱۲۳۹ هجری وفات یافت. دیوان این شاعر ۵ هزار بیت دارد.

خرگاه [Xargāh] : نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران.**خرم، عطاء اله [Atā-ollāh Xorram] : موسیقیدان و آهنگساز مشهور ایران که در سال های بعد از**

۱۳۳۰ خورشیدی با ایجاد مثلث هنری با ویگن، پرویز و کیلی و خودش فصل جدیدی در تاریخ پاپ موزیک و ارکستر جاز ایرانی گشودند. ارکستر جاز در سال ۱۳۲۰ بوجود آمد. از اولین خوانندگان پاپ موزیک؛ حمید قنبری و جمشید شبیانی بودند و همانطوریکه ذکر شد از سال ۱۳۳۰ به بعد، یکده تاز این رشته، مثلث ویگن، خرم و پرویز و کیلی بود.

عطاء اله خرم، آهنگ ترانه های بیاد ماندنی و جاویدانی چون؛ "رقیب"، "خزان"، "گریزان"، "دختر دریا"، "بهار من"، "یادگاری"، "فنجون طلا"، "شکوفه ها"، "آی گفتی"، "بیا"، "دروگران" و "دو کبوتر" را با صدای ویگن و آهنگ ترانه های؛ "قالی باف"، "تبریک"، "آرزوی من"، "صحرا نشین"، "گناه تو" و "آرزوی محال" را با صدای روان بخش ساخت.

استاد تعلیم عطاء اله خرم، محمد بحرینی پور بود. استاد عطاء اله خرم در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

خرم، مهندس همایون [Mohandes Homāyun Xorram] : استاد برجسته و چیره دست ویلن

که از شاگردان ممتاز استاد ابوالحسن صبا می باشد.

امیر همایون خرم در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در بوشهر بدنیا آمد. مهندسی خود را در رشته برق دریافت کرد و از سال ۱۳۳۲ از طرف رادیو و برای برنامه گلها از او دعوت به همکاری شد.

همایون خرم در سن ۷ سالگی به زدن نی لیک پرداخت و در سن ۱۱ سالگی به مکتب استاد ابوالحسن صبا رفت. همایون خرم مدت ۴/۵ سال از دانش استادش بهره مند شد و در سن ۱۴ سالگی، برنامه اش از رادیو ایران پخش شد. این هنرمند گرانقدر، سال ها در ارکستر خادم میثاق ضمن نوازندگی ویلن، آهنگ هائی را نیز می سازد. او، مدتی عضو شورای موسیقی رادیو و سرپرست ارکستر سازهای ملی بود.

برنامه هائی که این هنرمند در رادیو اجرا نمود بالغ بر ۴۰۰ می باشد. خوانندگان مشهوری چون: مرضیه، مازیار، شهلا سرشار، پروین قوامی آهنگهای این هنرمند گرانقدر را اجرا نموده اند. به برخی از آهنگهای جاویدان این هنرمند ارزنده اشاره می شود. "رسوای زمانه منم"، "تو ای پری کجائی"، "مینای شکسته"، "بگذر از کوی ما"، "اشک من هویدا شد"، "امشب در سر شوری دارم"، "غوغای ستارگان" و "دل پریشانم". از مهندس همایون خرم در زمینه آهنگسازی برای فیلم می توان به فیلم "هیولا" با شرکت رضا بیک ایمانوری و جمال وفائی (۱۳۵۵)، و فیلم "سنگ صبور" با شرکت عبدالله بوتیمار، شهین و لیدا فروهر (۱۳۴۷) اشاره داشت.

خرمهره [Xarmohre]: سازی است بادی که از لاک خشک شده حلزون ساخته می شود. نام دیگر این ساز؛ موشل، هورن یا بوق حلزونی است.



خرمی [Xorrami]: زنده یاد خرمی، خواننده مشهور کهنوج کرمان که از او نوار و صفحاتی وجود دارد.

خرنای [Xarnây]: یا کرنای، سازی است بادی. لطفاً به کرنای نگاه کنید. خرنای نام لحن و سرودی است در موسیقی قدیم ایران.

خروش مغان [Xorûşe Moqân]: نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران و هم چنین نام یک ترانه مذهبی یا عرفانی نیز می باشد.

خریدار تو [Xardâre To]: اولین دگرگونی در زمینه موسیقی ایران در سال ۱۳۰۳. نغمه ای در ماهور که از عراق و راک شروع می شد و به پرده ماهور فرود می آمد. در وسط قطعه، ضرب سنگین شده و بیتی از غزل سعدی در گوشه شکسته و افشاری خوانده می شد. خریدار تو از آن جهت حائز اهمیت است که اولین دگرگونی بود. آهنگ آن از پرده عراق شروع و به تیک (نت اول) ماهور فرود می آمد. شعر از پرده راک آغاز و در روی سومین گام ماهور فرود می آمد. در این آهنگ، جواب اشعار تکرار نمی شد و ارکستر آهنگ

دیگری می نواخت. شعر سوم با آن که از پرده ماهر شروع می شد، روی نت هنگام (اُکتاو) که پرده عراق بود فرود می آمد. بعد از شعر، موسیقی سنگین می شد و ارکستر با نت های پر کشش ویلن و جواب های تک مضراب تار بهمراهی پزیکاتو **Pissiccato** ویلن حالتی را نشان می داد که تا آن موقع در موسیقی ایران سابقه نداشت و آهنگی که در مقام بزرگ بود به مقام کوچک می رفت، و بالاخره، خاتمه آهنگ، بعد از شعری که در پرده شکسته خوانده می شد مجدداً با تغییر مقام، قطعه را به مایه اصلی مراجعت می داد.

خزاعی، دکتر نسترن (Doktor Nastarin Xazâwi): شاعر مشهور و همدوره و همکار با استاد مرتضی نی داود. از او سروده "عشق بی حاصل" بجا مانده است.

خزان (Xazân): گوشه ای از شعبه نیریز در موسیقی مقامی گذشته ایران.



خزانه، شیخ محمود (Seyx Mahmud Xazâne): از خوانندگان مشهور دربار ناصرالدین شاه.

خزائلی اراکی، محمد (Mohammad Xazâeli Arâki): محمد خزائلی اراکی در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در کره رود اراک بدنیا آمد. در یک و نیم سالگی بر اثر ابتلاء به آبله، چشمانش را از دست داد. تحصیلاتش را در مدرسه سهامیه آغاز و سپس به دبیرستان صمصامی اراک رفت. او دیپلم ادبی خود را در تهران دریافت کرد و در سال ۱۳۲۱ خورشیدی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر در آمد. او ابتداء در دبستان های گلپایگان و خمین و سپس در دبیرستان های اراک به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۲۵ از دانشکده حقوق و در سال ۱۳۳۲ از دانشکده ادبیات لیسانس خود را دریافت کرد. در سال ۱۳۳۶ دکتر محمد خزائلی از دانشکده حقوق، دکترای خود را در رشته قضائی دریافت داشت. او به زبان های عربی، فرانسه، انگلیسی تسلط کامل و به زبان آلمانی آشنائی داشت. او بنیانگذار اولین آموزشگاه های شبانه در ایران است. او در شعر خزائلی تخلص می کرد. دکتر محمد خزائلی در ۲۱ خرداد ۱۳۵۳ در گذشت.

خزینه سنتور (Xazineye Santur): به جعبه سنتور یا محفظه طنینی این ساز اطلاق می شود.

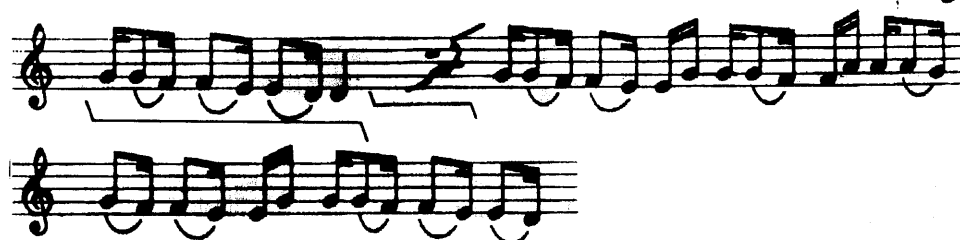
خستوان، امیر رضا [Amir Reza Xastavân] : نوازنده و آهنگساز جوان که در آمریکا زندگی می‌کند. امیر رضا خستوان پسر هنرمندان؛ مجید خستوان و مریم جلالی است.

خستوان، مجید [Majid Xastavân] : شاعر و آهنگساز ساکن کالیفرنیا که از او آلبوم "شقایق" با صدای همسرش خانم مریم جلالی در دسترس می‌باشد.

خسرو [Xosro] : از خوانندگان پیش از انقلاب و همدوره با زنده یاد فرزین، ستار، رامش و زنده یاد گیتی. از این خواننده ترانه "گل بارون" در دسترس می‌باشد.

خسروانی [Xosravâni] : سرودی است منسوب به باربد و هم چنین نام گوشه ای است در آواز ترک و دستگاه های ماهور و راست پنجگاه.

..... خسروانی



خسرو بیک، علی [Ali Xosro-beyk] : نوازنده چیره دست تار و ویلن در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی. علی خسرو بیک، پدر، هنرمند گرانقدر؛ لطف اله خسرو بیک استاد ضرب است.

خسرو بیک، لطف اله [Lotfollâh Xosrobeyk] : نوازنده چیره دست ضرب و همدوره با مرتضی اعیان. لطف اله خسرو بیک در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ بدنیا آمد. او از ۹ سالگی شروع به نواختن ضرب نمود. اولین معلم او در ضرب، استاد رضا صیرفی بود و بعد ها نزد استاد محمد اسماعیلی رفت و بمدت ۵ سال از محضر او فیض برد. این هنرمند از سال ۱۳۵۴ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود و از سال ۱۳۵۵ فعالیت مستمری در تالار رودکی داشت. او در ارکسترهای خوشدل و مهرافشان به نواختن ضرب می پرداخت.

خسرو دهلوی، امیر ناصر الدین [Amir Nâser-eddin Xosro Dehlavi] : امیر ناصر الدین خسرو دهلوی از شاعران پارسی گوی در نیمه دوم سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری است. در روزگار

حمله و استیلای مغول و تاتار، پدر شاعر به هندوستان رفت و جزو امرای شمس الدین التیمش در آمد. بعد ها این شاعر ملازم درگاه معزالدین کیقباد (۶۸۶ - ۶۸۹ هجری) و سپس مقرب درگاه جلال الدین فیروز شاه خلجی (۶۸۹ - ۶۹۵ هجری) شد. این شاعر علاوه بر اطلاعات وسیع از زبان های فارسی، ترکی و عربی و ادبیات هر سه زبان به زبان هندی و ادب آن آشنائی کامل داشت و در موسیقی ایرانی و هندی ماهر و توانا بوده است. خسرو دهلوی در زمینه موسیقی ابداعاتی در نغمه و پرده های موسیقی دارد، که آن ها را ۱۳ مورد می دانند.

خسرو شیرین (Xosro Širin): نام گوشه ای است در آواز ابوعطا.



خسرو شیرین، کتاب (Ketābe Xosro Širin): این کتاب که توسط نظامی گنجوی نوشته شده از جهت موسیقی حائز اهمیت بسیار است. در این کتاب از اجرای موسیقی توسط نکبسا و باربد و سی لحن باربد، یاد شده است.

خسروی (Xosravi): خانم خسروی، استاد تعلیم پیانو در هنرستان عالی موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی بودند.

خسرو سرخسی (Xosro Saraxsi): از شعرای دانشمند سده چهارم هجری است.

خسروی، عباس (Abbās Xosravi): عباس خسروی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در همدان بدنیا آمد. از ده سالگی به نواختن ساز چگور پرداخت ولی پس از مدتی به ویلن روی آورد و دور از چشم پدر به کلاس استاد ناصر هاتفی رفت و پس از یک سال تعلیم توانست یکی از برندگان مسابقه موسیقی دانش آموزان کشور شود. پس از کلاس استاد هاتفی، خسروی به مکتب زنده یاد؛ نصرت اله گلیایگانی رفت. آن زمان استاد گلیایگانی در هنرستان آزاد موسیقی ملی تدریس می کرد، که سرپرستی این هنرستان با محمد علی امیر جاهد بود.

عباس خسروی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸ با ارکسترهای: صبا (به سرپرستی استاد دهلوی)، فارابی (به سرپرستی

مرتضی حنانه و ناصری)، گُلها (به سرپرستی معروفی)، ارکستر بزرگ رادیو و تلویزیون (به سرپرستی ناصری و فرهاد فخرالدینی) همکاری و به نواختن ویلن و ویلن آلتو اشتغال داشته است.

خسروی، همایون [Homayun Xosravi] : نوازنده زبردست ویلن سل و از همکاران نزدیک گروه همنازان کامکارها.

خضرلوزاده، حسین [Hoseyn Xezarluzade] : حسین خضرلوزاده در سال ۱۳۲۲ در شهرستان خوی بدنیا آمد. پس از اتمام دوره اول متوسطه در دبیرستان فیوضات تبریز به هنرستان موسیقی تبریز رفت. او در این هنرستان، ابتداء آموختن پیانو را نزد ستوان نیک زاد، فرمانده موزیک ارتش شروع کرد و بعد از مدتی تحت تعلیم خانم لوست، استاد پیانو هنرستان قرار گرفت.

حسین خضرلوزاده، همزمان با یادگیری پیانو، ویلن را نزد استاد استپان سانوسیان و هارمونی را نزد استاد یوسف یوسف زاده فرا گرفت. پس از فراغت از تحصیل، در وزارت آموزش و پرورش ملایر استخدام شد و در این شهر اقدام به تاسیس گروه کُر و ارکستر نمود. در سال ۱۳۴۶ به تبریز بازگشت و ضمن خدمت در آموزش و پرورش به تدریس موسیقی در هنرستان موسیقی تبریز پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ حسین خضرلوزاده به تهران رفت و وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۵ فارغ التحصیل گشت. این هنرمند در حال حاضر در پست معاونت امور هنری اداره کل پژوهش و آموزش هنر وزارت فرهنگ مشغول کار است.

خضوعی، حسین [Hoseyn Xzuwl] : لطفاً به ساعت ساز نگاه کنید.

خط [Xat] : نگارش زبان موسیقی، چون دیگر زبان ها دارای علائم مشخصی است از آن جمله انواع خط. لطفاً برای آگاهی به هر کدام از خط ها نگاه کنید.

خط ابرو [Xatte Abru] : این خط با شکل { به همراه علامت I، در پارتی تور، موقعیت حد فاصل آلات موسیقی هم ریشه و یا نت های دست چپ و راست و پدال پیانو یا ارگ را مشخص می کند.

خط اتحاد [Xatte Ettehad] : خطی است منحنی که روی دو یا چند نت هم اسم و همصدا گذارده می شود و کشش دو نت را با یکدیگر متحد می کند.



خط اتصال [Xatte Ettesal]: خطی است منحنی که روی دو یا چند نت مختلف قرار می گیرد و صدای آن ها را به یکدیگر متصل می کند.



خط تکرار [Xatte Tekrar]: خط اتصالی است برای تکرار قسمتی از ملودی. ابتداء یا انتهای خط تکرار به صورت شکسته رسم می گردد (٬).

خط فارق [Xatte Fareq]: از قواعد نت نویسی در آوازهای ایرانی.

خط فرضی وتر [Xatte Farziye Vatar]: خطی برای تصویر ثبت نغمه ها در موسیقی مقامی گذشته.

خط قوسی [Xatte Qowsi]: خطی زیر یا روی اعداد، در تعیین انگشت گذاری روی سیم های تار و سه تار.

خط موسیقی [Xatte Musiqi]: خطی که با آن بتوان هر آهنگی را خواند و نوشت (نت). خط موسیقی ایرانیان قدیم؛ دین دبیره نامیده می شد. اختراع خط موسیقی یا نت را به کشیش ایتالیایی بنام **Gui Darezzo** (۹۹۰ - ۱۰۵۰ میلادی) نسبت می دهند.

خط موسیقی دین دبیره [Xatte Musiqiye Din Dabire]: خط موسیقی کهن که سرود های اشو زرتشت را با آن می نوشتند. در حقیقت، کهن ترین خط موسیقی ویژه ثبت سرودهای زرتشت است.

خط میزان [Xatte Mizan]: خط قائمی است که تقسیمات میزان ها را از یکدیگر جدا می کند.



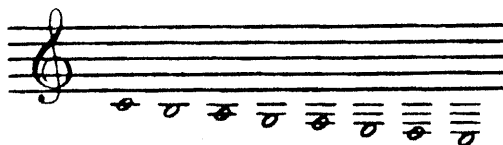
خط میزان نقطه چین [Xatte Mizane Noqtecine]: خط قائم نقطه چینی است که تقسیمات دو میزان نامساوی را از یکدیگر جدا می کند و معمولاً در میزان های لنگ بکار می رود.



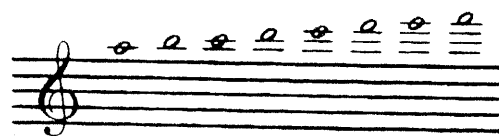
خط های اضافی [Xathaye Ezafie]: خط های کوچک و موازی با حامل، که هر گاه نت ها از حدود حامل تجاوز کنند بر روی آن ها نوشته می شوند و خود حامل های دیگری هستند با کلید های دیگر.

لا سل فا می ر دو سی لا

خطوط اضافی بر نت های زیر حامل (بم)



دو ر می فا سل لا سی دو



خطوط اضافی بر نت های بالای حامل (زیر)

خطیبی، پرویز [Parviz Xatibi]: پرویز خطیبی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی) در تهران بدنیا آمد. از سال ۱۳۱۵ و در سن ۱۳ سالگی اشعار و مقالات او برای اولین بار با نام مستعار (دارکوب) در روزنامه توفیق بچاپ رسید. مدتی سردبیری توفیق را بعهده داشت و پس از آن به ترتیب روزنامه های فکاهی - سیاسی (بهرام)، (علی بابا) و بالاخره (حاجی بابا) را انتشار داد. در سال ۱۳۲۰ بعنوان اولین سازنده تصنیف های فکاهی - سیاسی و میان پرده با تاترهای معتبر آن زمان از جمله تماشاخانه تهران و تاتر فرهنگ به سرپرستی عبدالحسین نوشین آغاز به همکاری کرد. چندی بعد نمایش های متعدد او همزمان در سه یا چهار تماشاخانه تهران و شهرستان ها و با شرکت هنرمندان معروف آن زمان بروی صحنه رفت. بعنوان یکی از پیشگامان جنبش فیلم سازی در ایران، در طول سال ها، جمعاً ۳۷ فیلم نوشته و کارگردانی کرد. از نخستین روزهای پایه گذاری رادیو ایران در سال ۱۳۲۲ با آن همکاری داشته و بیش از سه هزار نمایشنامه رادیویی نوشته است.

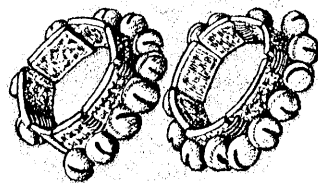
در غربت، پرویز خطیبی به انتشار مجدد (حاجی بابا) مبادرت ورزید و پس از یک سال و چندی با تعطیل این روزنامه شروع به انتشار نوارهای سیاسی - فکاهی (قصه ملاخورون) و (آخوند کشون) و (خلیفه جمارون) کرد و چندی بعد ویدیویی نیز از مجموع این نوارها تهیه کرد. پس از آن، خطیبی به تاتر روی آورد و مهم ترین آثار

او نمایش (عروسی ایران خانم)، (حاجی مارمولک) و (بزن بریم ایران) بودند که در رأس آنجلس و سایر ایالات آمریکا بارها و بارها به نمایش درآمدند.

پرویز خطیبی روز اول آگوست سال ۱۹۹۳ به علت یک عارضه قلبی در سن ۷۱ سالگی در رأس آنجلس در گذشت.

خفی - جلی (Xafi-jali) : از رنگ های ماهر و از ردیف میرزا عبدالله.

خلخال (Xalxal) : سازی است ضربی و آن زنگوله های کوچکی است که رقاصان بر میچ دست و پای خود می بندند و بهنگام رقص آن ها را به صدا در می آورند. نوع دیگر آن که به لباس رقاصان دوخته می شود، خیل یا کُرج نامیده می شود. انواع دیگری از این ساز بنام درای خوانده می شود. لطفاً به درای نگاه کنید.



خلج تهرانی، حسین (Hoseyn Xalaj-Tehrani) : خواننده اشعار مذهبی که در تهران خیابان مولوی زندگی می کند.

خلج، مجید (Majid Xalaj) : نوازنده زبردست ضرب در فرانسه که در پاریس به تدریس این ساز می پردازد.

خلعتبری، ترانه (Tarane Xalwatbari) : شاعره مشهور که از او دو مجموعه؛ "صدف" و "کبوتران سحر" در دسترس می باشد.

خلعتبری، عادل (Adel Xalwatbari) : شاعر مشهور معاصر و رئیس انجمن دانشجویان و همدوره با ملک الشعرای بهار و پروفیسور سمیعی که سیمین بهبهانی و ترانه خلعتبری را آموزش داده است.

خلعتبری، فردین **[Fardin Xalwatbari]** : آهنگساز جوان و فعال که در تهران ساکن است.

خلیج، گروه موسیقی **[Gruhe Musiqiye Xalij]** : گروه موسیقی خلیج در خوزستان که به اجرای ترانه های بندری می پردازد. خواننده این گروه محمود جهان نام دارد.

خلیفه **[Xalife]** : رهبر مراسم مولودی، از رسوم همراه با موسیقی در بلوچستان. سابقاً در کلاس های موسیقی به مبصر کلاس، خلیفه می گفتند.

خلیفه، سید حسین **[Seyyed Hoseyn Xalife]** : از شاگردان بنام میرزا عبدالله و خلیفه یا مبصر کلاس درس او بود. سید حسین خلیفه از مشهورترین تار نوازان قدیمی بشمار می رود.

خلیلی، حاج محمد حسین **[Haj Mohammad Hoseyn Xalili]** : زنده یاد خلیلی، از نوازندگان مشهور دو تار در شرق مازندران بوده است که تاثیرات مهمی بر موسیقی این مناطق گذاشته است.

خُم **[Xom]** : سازی است کوبه ای؛ ساختمان این ساز بقرار زیر است؛ خمره ای مخروطی شکل که بر دهانه آن پوست می کشند و قسمت باریک آن را در حلقه ای از جنس طناب قرار می دهند. نوازنده دو عدد از این ساز را بر پشت فیل بسته و در میدان جنگ بر پوست آن می کوبیده است.

خُما خسرو **[Xoma Xosro]** : نام سرود و پرده ای است در موسیقی عهد ساسانیان.

خمچک **[Xomcak]** : یا خمک، دایره یا دف کوچکی است که دور آن فلزی است.

خمسه اوتار **[Xamse-ye-Utar]** : به سازهای پنج سیمه اطلاق می شود.

خمسه ای، شکراله **[Sokr-ollah Xamsei]** : خواننده و نوازنده زیر دست ضرب و از همکاران غلامرضا شیرازی نوازنده چیره دست تار. این دو هنرمند در عهد قاجاریه می زیستند.

خمسه پور، پرویز **[Parviz Xamse-pur]** : آهنگسازی که از او موزیک متن فیلم "هوای تازه" با شرکت سرور رجائی و حسن اکلیلی قابل ذکر است.

خنبک (Xonbak): به معنی دست زدن و هم چنین دف کوچکی است که دست بر آن زنند. امروزه خنبک به شکل بزرگتر در آمده و تبدیل به تنبک یا دنبک شده است.

خندانی، بهروز (Behruz Xandani): بهروز خندانی در سال ۱۳۳۴ در تهران بدنیا آمد. معلم ویلن او، علی نودوست بود که سه سال او را آموزش داد. پس از آن به کلاس شاملو کاربند رفت و سه سال دیگر در آن کلاس به فراگیری و تکمیل هنر ویلن زنی پرداخت. بهروز خندانی پس از ۶ سال آموزش دیدن به هنرستان شبانه موسیقی رفت و بمدت یک سال ردیف های موسیقی را زیر نظر استاد کامران داروغه فرا گرفت.

خنده رو، شکراله (Sokr-Ollah Xanderu): نوازنده قدیمی تار که در لس آنجلس زندگی می کند.

خنصر (Xenser): انگشت چهارم و پرده چهارم بر اسبابهای معمول موسیقی در زمان فارابی که انگشت بر روی پرده همنام خود قرار می گرفت.

خنیا (Xonya): نوازنده، موسیقیدان و آوازه خوان را خنیاگر می نامند.

خواجوی، رحیم (Rahim Xajavi): از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه که در آخر عمر به سنگینی گوش مبتلا شد.

خواجوی کرمانی (Xajuye Kermani): عارف و شاعر بزرگ ایران در سده هشتم هجریست. انتساب او به فرقه مرشدیه بوده است. سال تولد او ۶۸۹ هجری است. از آثار این شاعر می توان به دیوان قصاید، غزلیات و رباعیات، شش مثنوی با وزن های مختلف، سام نامه، همای و همایون، گل و نوروز، روضه الانوار، کمال نامه و گوهر نامه اشاره داشت.

خواجوی مازندرانی، بزرگ (Bozorg Xajuye Mazandarani): از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

خواجه امیری، حسین (ایرج) (Hosein Xaje-Amiri): لطفاً به ایرج نگاه کنید.

خواجه، بهرام (Bahram Xaje) : نوازنده چیره دست تار و از همکاران مجید راه دوست نوازنده ویلن و طباطبائی نوازنده تنبک.

خواجه نوری، داریوش (Daryus Xajenuri) : نوازنده چیره دست گیتار در تهران که از او دو آلبوم "آرزوها" و "کلبه" در دسترس می باشد.

خواجه نوری، علیرضا (Alirza Xajenuri) : نوازنده چیره دست پیانو که نامش در ردیف استاد مرتضی محجوبی، جواد معروفی، اردشیر روحانی، انوشیروان روحانی، افلیا پرتو، ناصر چشم آذر و پرویز اتابکی ذکر می گردد. زنده یاد علیرضا خواجه نوری در ۹ سالگی زیر نظر پدر بزرگ خود به فراگیری سه تار و تنبک پرداخت. در ۱۴ سالگی آکوردهئون هم می آموخت. او تحصیلات عالیه خود را در انگلستان تمام کرد و در رشته ادبیات انگلیسی دانشنامه گرفت. در ۲۰ سالگی حین بازی فوتبال بر اثر اصابت توپ به صورتش، پرده شبکیه چشمهایش پاره شد و علیرغم چند بار عمل جراحی، دید خود را از دست داد. در ۲۴ سالگی در محضر استاد جواد معروفی شروع به آموختن پیانو نمود و ۸ سال روزی ۱۲ ساعت به تمرین پرداخت. پس از این تمرین طولانی به رادیو رفت و اولین آهنگ او "گناه تو" توسط خانم مرضیه اجرا گردید. علیرضا خواجه نوری در سال های پیش از انقلاب سرپرست موسیقی دانشگاه ملی ایران بود. معروفترین آهنگ هائی که از این هنرمند به جا مانده است عبارتند از: "گناه تو"، "خدایا ببخشای"، "راه بی نشان"، "بی خبری"، "شب آمد"، "رفتی" با صدای خانم مرضیه. "عاشقه"، "تو همونی" با صدای زنده یاد گیتی. "صبح ناخوانده" با صدای عارف. کمند خیال، روز دوری، آسمان پیش چشمهای تو تاریک و سیاه است و آسمان آسمان با صدای ناصر صبوری. در اولین روزهای انقلاب سه نفر از نزدیکان او، از جمله برادرش سپهبد خواجه نوری رئیس ستاد مشترک ارتش را اعدام کردند و این فاجعه این هنرمند گرانقدر را در هم شکست. پس از انقلاب هم، بارها به بهانه نامش پاسداران به خانه اش ریختند و آنچه را که داشت به یغما بردند. زنده یاد علیرضا خواجه نوری در سال ۱۳۶۸ در گذشت.

خواجه نوری، نظام السلطان (Nezam-alsotan Xajenuri) : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

خواجه نوری، همایون (Homayun Xajenuri) : از نوازندگان ارکستر نوین وزارت فرهنگ و هنر در سال های پیش و پس از ۱۳۴۹ خورشیدی.

خواجه، هامبارسون **(Hambarsum Xaje)** : نماینده کمپانی "گرامافون" در سال ۱۹۰۶ میلادی در تهران، خیابان لاله زار، کوچه فیل خانه، نزدیک مدرسه سن لوئی.

خوارزمی **(Xarazmi)** : نام گوشه ای است در دستگاه ماهور.

خوارزمی



خوارزمشاهی **(Xarazmsahi)** : نام گوشه ای است در دستگاه ماهور، از ردیف منتظم الحکما.

خوارزمی، محمد بن احمد **(Mohammad-ben-Ahmad Xarazmi)** : موسیقیدان مشهور ایرانی و صاحب کتاب "مفاتیح العلوم".

خواص، احمد **(Ahmad Xavas)** : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی و نوازنده چیره دست ویلن.

خوانساری، ادیب **(Adib Xonsari)** : خواننده مشهور قدیمی که به ردیف های موسیقی ایران آشنائی کامل داشته است. نام او اسماعیل است که به ادیب مشهور شده است.

ادیب خوانساری در سال ۱۳۱۸ هجری قمری مطابق با ۱۲۸۰ خورشیدی در خوانسار چشم دنیا گشود. او در نوجوانی موذن مسجد خوانسار بود. اولین معلم آواز ادیب، عندلیب گلپایگانی بود که بعد ها نام تولائی بر خود نهاد. ادیب در ۱۸ سالگی به اصفهان رفت و در خدمت آسید رحیم به فراگیری گوشه های موسیقی ایران پرداخت. در سال ۱۳۰۰ خورشیدی ادیب به خدمت زنده یاد نایب اسداله استاد مسلم نی راه یافت. ادیب در سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و نواختن ساز سه تار را آموخت و پس از آن تحت تعلیم استاد مرتضی محجوبی توانست پیانو هم بنوازد. با تاسیس رادیو، ادیب خوانساری، خواننده ثابت رادیو شد. ادیب در تاریخ ۶ فروردین ماه ۱۳۶۱ چشم از جهان فرو بست. قبر ادیب در بهشت زهرا، ردیف ۱۰۳، قطعه ۹۱ می باشد.

خوانساریان، سید رضا (Seyyed Reza Xonsaryan) : نوازنده زبردست عود در گروه موسیقی مشتاق.

خوان - گریو (Xan-Geriv) : مرکب خواندن و گریستن. ابیاتی که زنان محلی دزفول در عزاداری ها زمزمه کنان می خوانند و گریه می کنند.

خواننده (Xanande) : آوازه خوان، مغنی، نوایی، خنیاگر و قوال.

خوتیسف، سرژ (Seroz Xutisef) : موسیقیدان مهاجر روسی که در هنرستان موسیقی تدریس ویلن می کرد. این هنرمند در سال ۱۳۳۲ خورشیدی به سرپرستی ارکستر سمفونیک تهران انتخاب شد.

خوتیسف، میشل (Misel Xutisef) : موسیقیدان مهاجر روسی که در هنرستان موسیقی تدریس ویلن سل می نمود.

خوچایان، واهیک (Vahik Xocayan) : نوازنده چیره دست ویلن در کنسرواتوار تهران در سال های ۱۳۴۷ و پس از آن.

خوراژک (Xorazak) : در یک متن پهلوی مربوط به عهد ساسانی، این واژه با نام چند ساز دیگر آمده است. زاکس عقید، دارد خوراژک در شمار آلات ضربی است که بیضوی شکل بوده و از گیل ساخته می شده است. نام دیگر خوراژک، خورادک است.

خورشید فر، علیرضا (Alireza Xorsid-far) : نوازنده چیره دست کنترباس. علیرضا خورشیدفر در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از ۹ سالگی به یادگیری و نواختن ساز آکاردئون پرداخت. در ۱۲ سالگی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و در رشته کنترباس مشغول تحصیل گشت. خورشیدفر در سال ۱۳۵۱ با درجه لیسانس در رشته کنترباس فارغ التحصیل شد. این نوازنده گرانقدر از سال ۱۳۶۷ با عنوان استاد کنترباس در هنرستان موسیقی پسران مشغول تدریس می باشد.

خوزی (Xuzi) : نام شعبه ای است از ۲۴ شعبه موسیقی قدیم ایران.

خوشابافرد، فریدون (Ferydun Xosabafard) : از صدابرداران و صداگذاران فعال در تهران.

خوشدل، عباس (Abbas Xosdel) : هنرمند گرانقدر موسیقی ایران و موسس کلاس موسیقی خوشدل در خیابان شهباز در سال های پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی. ساز تخصصی عباس خوشدل، فلوت بود. عباس خوشدل با خواننده مشهور و صاحب سبک کورس سرهنگ زاده همکاری نزدیکی داشت.

خوش رزم، پرویز (Parviz Xosrazm) : از خوانندگان جوان و خوش صدا که در سوئد فعالیت دارد. اولین آهنگی را که این خواننده خوانده است: "نازنین" نام دارد که شعر آن را حسین عمرانی سروده و آهنگ آن از محمد سمش است. پرویز خوش رزم، کار خوانندگی را از سال ۱۹۶۵ میلادی در ایران شروع کرده است.

خوشرو، ابوالحسن (Abolhasan Xosru) : خواننده خوش صدای مازندرانی که کار مشترکی بنام: "افتاب تِه" با خواننده دیگر مازندرانی نوراله علیزاده دارد.

خوشکام، یوسف (Yusef Xoskam) : خواننده خوش صدا و از شاگردان استاد اسماعیل مهر تاش.

خوشنواز (Xosnavaz) : از معروفترین کمانچه کش های عهد ناصرالدین شاه.

خوشنواز خان (Xosnavaz Xan) : نوازنده زیردست سنتور در زمان ناصرالدین شاه.

خوشنود، فریدون (Freydun Xosnud) : آهنگسازی که در زمینه ساخت آهنگ برای فیلم، از او دو فیلم بنام های: "قاصدک" با شرکت سعید راد و نوش آفرین (۱۳۵۵) و "برهوت" با شرکت سعید راد و نوش آفرین (۱۳۵۷) که با آغاز تغییر رژیم به این فیلم اجازه نمایش داده نشد، قابل ذکر است.

خوشنویسان، سرهنگ نصراله (Sarhang Nasr-ollah Xosnevisan) : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در ۶ تیر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی.

خول (Xul) : از آلات موسیقی ضربه ای پوستی در پاکستان. مشابه این آلت موسیقی در بلوچستان استفاده می شود.

خیاط باشی، حسن (Hasan Xayyat-basi) : شومن معروفی که سال های سال در قالب مهندس بیلی مشاور حضور فعالیت داشت و برای مدتی به خوانندگی روی کرد، اما زود این رشته را ترک گفت. ترانه "جوانی" او معروف است.

خیالی بخاری (Xyali Boxari) : احمد بن خیالی از معاصران و شاگردان خواجه عصمت بخاری بود که دیوانش در ماوراءالنهر شهرت داشت. از در عهد الغ بیک می زیست و وفاتش در سال ۸۵۰ هجری بود.

خیام (Xayyam) : از حکماء، ریاضی دانان و شاعران بزرگ ایران در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم است. استاد عباس اقبال آشتیانی، خیام را از شاگردان ابن سینا دانسته و دلائلی در این خصوص ارائه داده است. قدیمی ترین مأخذی که در آن از خیام نام برده شده است؛ چهار مقاله نظامی عروضی است. وفات خیام در سال ۵۱۷ هجری اتفاق افتاد. در باره رباعیات این شاعر گرانقدر، تحقیقات فراوانی به زبان فارسی و دیگر زبان ها صورت گرفته است. خیام در سال ۴۶۷ هجری و در زمان جلال الدین ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک درست ترین محاسبه سال شماری و تقویم جلالی را ارائه داده است.

خیام زاده، مرتضی (Morteza Xayyam-zade) : از نوازندگان مشهور تار و عود که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه حکیم نظامی و متوسطه را در دبیرستان ادیب طی کرد. آشنائی او با موسیقی از سال ۱۳۴۵ آغاز شد. او در این سال به هنرستان موسیقی ملی رفت و نواختن تار را نزد استاد حبیب اله صالحی آغاز کرد. استاد بعدی او؛ هوشنگ ظریف بود که او را سه سال آموزش داد. خیام زاده از سال ۱۳۵۶ با گروه صبا مشغول همکاری شد و در حال حاضر به تدریس موسیقی می پردازد.

خیراله (Xeyrollah) : از عاشیق های معروف آذربایجان شرقی در سال های پیش و پس از ۱۳۲۵ خورشیدی است.

خیر خواه، علی (Ali Xayr-xah) : خواننده خوش صدا قدیمی و همدوره با قاسم جلیلی، جمال وفائی و صمد پیوند. علی خیر خواه در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در شهر کاشان بدنیا آمد. در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در جامعه باربد نزد استاد اسماعیل مهرتاش به فراگیری موسیقی پرداخت. علی

خیرخواه کار خوانندگی را از سال ۱۳۴۰ در رادیو ایران با برنامه "شما و رادیو" که در صبح جمعه پخش می شد، شروع کرد.

خیرخواه، منوچهر (Manucehr Xeyr-xah) : منوچهر خیرخواه، برادر هنرمند گرانقدر، علی خیرخواه در سال ۱۳۱۴ در کاشان بدنیا آمد. بعد ها جزو شاگردان استاد اسماعیل مهرتاش شد. کار خوانندگی را همزمان با جمال وفائی شروع نمود و در سال ۱۳۴۵ توسط زنده یاد مهدی خالیدی به کلاس آواز تلویزیون که زیر نظر زنده یاد مرتضی حنانه اداره می شد رفت. همکاری منوچهر خیرخواه با تلویزیون ایران تا سال ۱۳۵۲ ادامه داشت.

خیرخواه، هدایت اله (Hedayat-ollah Xayr-xah) : نوازنده زبردست فلوت و استاد تعلیم موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۴۵ خورشیدی. او در تبریز ارکستر بزرگ هنرستان موسیقی تبریز را تشکیل داد. در آن زمان، رئیس هنرستان استاد علی محمد رشیدی بود.

خیرمحمد (Xeyr Mohammad) : زنده یاد خیرمحمد، خواننده و سراینده ترانه های حماسی در بلوچستان، که اثر جاودانه او "جنیدخان" از اشعار حماسی و تاریخی در موسیقی بلوچستان است. برای آگاهی بیشتر لطفاً به جنید خان نگاه کنید.

خیریه مقدم، جمشید (Jamsid Xeyrye-moqaddam) : خواننده سرشناس کرد و از اعضاء فعال گروه موسیقی حافظ.

خیک نای (Xik Nay) : سازی است بادی از رده ارغنون که به آن نای انبان هم گویند. این ساز تشکیل شده از خیکی که بر دهان آن یک لوله است و نوازنده در این خیک دمیده تا پر از باد شود. بر دهان دیگر خیک، دو نای تعبیه شده است که صدا از آن خارج می شود.

خیل (Xil) : لطفاً به خلخال نگاه کنید.

خیوه یولی (Xive Yuli) : از سبک های موسیقی ترکمن صحرا.